الف) اهداف کلی

انتظار می‌رود دانش‌آموز پس از مطالعه و تدریس این بخش‌ها:

۱. مفهوم **پناه بردن به خدا در موقعیت‌های وسوسه و گناه** را درک کند .
۲. رابطه میان **ایمان، توکل، اراده و مقاومت در برابر هوای نفس** را بفهمد .
۳. دریابد که انسان مؤمن در موقعیت‌های دشوار، تنها به توانایی شخصی خود متکی نیست، بلکه **از خدا یاری می‌خواهد و خودش نیز تلاش می‌کند** .
٤. بتواند میان **لذت زودگذر و پیامدهای ماندگار یک رفتار** تفاوت بگذارد .
٥. مفهوم **مراقبت خداوند و شرم از خدا در خلوت** را بفهمد .
٦. با فلسفه روزه و ارتباط آن با **تقوا و توجه به نعمت‌های الهی** آشنا شود .
۷. احکام مربوط به **روزه در شرایط بیماری و روزه‌خواری در فضای عمومی** را به‌صورت موقعیت‌محور بشناسد .
۸. بتواند آموخته‌های دینی را به **موقعیت‌های واقعی زندگی خود** منتقل کند .

این اهداف با رویکرد کلی کتاب نیز هماهنگ است؛ کتاب تأکید می‌کند که رویکرد آن «موقعیت‌محور» است و دانش‌آموز باید مفاهیم را در زندگی واقعی مشاهده کند .

ب) اهداف جزئی و رفتاری

دانش‌آموز بتواند:

- توضیح دهد چرا حضرت یوسف(ع) در برابر پیشنهاد گناه، به خدا پناه برد .
- توضیح دهد چرا حضرت یوسف(ع) آن پیشنهاد را **ظلم به خود، دیگران و خداوند** دانست .
- ارتباط میان یاد نعمت‌های خدا و مقاومت در برابر گناه را بیان کند .
- توضیح دهد چرا پیروی از هوای نفس قدرت تشخیص انسان را کاهش می‌دهد .
- نقش توکل به خدا را در تقویت آرامش و اراده توضیح دهد .
- برای مفهوم «لذت زودگذر و آثار ماندگار» مثال مناسب بزند .
- مفهوم شرم از خدا در خلوت را درک کند .
- تفاوت «روزه نگرفتن به دلیل عذر شرعی» با «روزه‌خواری در برابر دیگران» را تشخیص دهد .
- مواردی را که بیماری می‌تواند مجوز روزه نگرفتن باشد، بیان کند .
- فلسفه اصلی روزه را در ارتباط با **تقوا و توجه به نعمت‌های الهی** توضیح دهد .



من زلیخا هستم، همسر عزیز مصر. داستان یوسف را از زبان لاوی، برادرش، تا اینجا شنیدی که کاروانی او را از چاه بیرون آوردند، از برادرانش خریدند و با خود به بازار برده‌فروشان بردند تا او را بفروشند. از اینجا به بعد، من قصهٔ یوسف را برایت تعریف می‌کنم.

همسرم خزانه‌دار، جانشین و فرماندهٔ لشکر پادشاه مصر بود.[1] من و همسرم مشرک و بت‌پرست بودیم. بچه‌دار هم نمی‌شدیم. روزی در بازار مصر در حال گشت‌وگذار بودیم که دیدیم نوجوانی را می‌خواهند به بردگی بفروشند. جلو رفتیم. همسرم نگاهی به نوجوان انداخت و در همان نگاه اول، مهر او به دلش نشست.[2]

خریداران یوسف زیاد بودند و هرکدام سعی می‌کردند با پیشنهاد پول بیشتری، او را برای خود بخرند. مبالغ پیشنهادی همین‌طور بالا رفت تا اینکه همسرم حاضر شد هم‌وزن یوسف دینار و مُشک و پارچهٔ حریر بدهد. کسی بالاتر از این مبلغ را پیشنهاد نکرد و همسرم یوسف را خرید.[3]

همسرم یوسف را به من سپرد و گفت: «با این پسر محترمانه برخورد کن و خودت هم عهده‌دار کارهایش باش. من امید دارم او به درد زندگی‌مان بخورد. حتی می‌شود اگر شایستگی‌اش را نشانمان داد، او را به فرزندی قبول کنیم.»[4] از آن روز به بعد، او غلام و بردهٔ من شد.

۱- همسر زلیخا با چه پیشنهادی یوسف را به عنوان غلام و برده خرید؟

۲- وقتی همسر زلیخا یوسف را خرید ، برای نگهداری او به زلیخا چه سفارشی کرد؟

۱ و ۳ـ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۳۳۸.
۲ـ تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۴۲.
۴ـ سورهٔ یوسف، آیهٔ ۲۱؛ ترجمهٔ المیزان، ج ۱۱، ص ۲۱.

کانال تلگرام: أَنَا وَ طُلّابي @Hdehghan۱۳

۳- چه ویژگی هایی در یوسف وجود داشت که باعث شد جایگاه ویژه ای برای خود در کاخ پیدا کند؟

ـ چرا یوسفی که پایش از خانهٔ پیامبری از پیامبران خدا به مصر باز شده، در کاخی پر از شرک و بت‌پرستی، باید زیردست یک زن مشرک باشد؟! اگر دست من بود، حداقل یوسف را غلام یکی از مردان مصر می‌کردم.

یوسف از چاه در آمد و به کاخ رسید. در کاخ هم جایگاه ویژه‌ای پیش عزیز مصر پیدا کرد. هرچه بیشتر می‌گذشت، من، همسرم و درباریان، بیشتر با کمالات یوسف آشنا می‌شدیم. او چهرهٔ زیبایی داشت، حکیمانه حرف می‌زد و خوش‌رفتار بود همین ویژگی‌ها باعث می‌شد که در کاخ برای خودش رتبه و جایگاه ویژه‌ای پیدا کند.

٤- بر اساس چه ذهنیت های غلطی زلیخا به یوسف پیشنهاد داد؟

روزها به‌سرعت گذشت، یوسف بزرگ شد و محبت من هم به او بیشتر. هرچقدر تلاش کردم، نتوانستم این شیفتگی را پنهان کنم. روزی طاقتم تمام شد و وقتی یوسف در اتاقم بود، به او پیشنهادی دادم که گناه بزرگی بود. طوری هم با یوسف حرف زدم که فراموش نکند او بردهٔ من است و باید مطیعم باشد.[1] گمان می‌کردم یوسف هر اندازه هم که جوان پاکی باشد، نمی‌تواند در برابر پیشنهاد هوس‌انگیز زنی زیبا مقاومت کند. اما اشتباه کرده بودم.

٥- یوسف پس از شنیدن پیشنهاد زلیخا ، چه پاسخی داد؟

یوسف پس از شنیدن پیشنهاد من گفت:

«...مَعاذَ اللّٰهِ إِنَّهُ رَبّی أَحسَنَ مَثوایَ إِنَّهُ لا یُفلِحُ الظّالِمونَ

«به خدا پناه می‌برم که او خدای مالک و مدبّر من است و جایگاه نیکویی به من داده، [اگر پیشنهاد تو را قبول کنم، به خودم ستم کرده‌ام] و ستمکاران عاقبت به‌خیر نمی‌شوند.»[2]

٦- چرا یوسف حاضر نشد برای لذّتی زودگذر، عاقبتش را به باد دهد؟

یوسف حاضر نشد برای لذتی زودگذر، عاقبتش را به باد دهد. من هم اگر غرق هوس نبودم، با این حرف یوسف باید از گناه دوری می‌کردم. یوسف به یاد خدایی افتاد که به او جایگاهی نیکو داده، سپس از نعمت‌های او یاد کرد و گفت: «این کار ظلم است؛ ظلم به خود، ظلم به عزیز مصر به‌خاطر سوءاستفاده از اعتمادش و ظلم به خداوند مهربان.»

تکیه‌گاه یوسف خدایی بود که او را از دل چاه بیرون آورد. او با اینکه به ظاهر بردهٔ ما بود، اما در واقع بندهٔ خدا بود. برای همین هم به خدا پناه برد.

۱ـ اطیب‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۱۷۷.
۲ـ سورهٔ یوسف، آیهٔ ۲۳.

کانال تلگرام: أَنَا وَ طُلّابي　　@Hdehghan۱۳

سؤالات مفهومی ازصفحه ٥٦

١ .چرا پیشنهاد زلیخا برای حضرت یوسف یک آزمون جدی بود؟

پاسخ :زیرا او در موقعیتی قرار داشت که قدرت و شرایط ظاهری می‌توانست انسان را به پذیرش خواسته نادرست وسوسه کند.

٢ .حضرت یوسف برای رد پیشنهاد گناه به چه حقیقتی توجه کرد؟

پاسخ :به خداوند، نعمت‌های او و این حقیقت که پذیرش گناه ظلم به خود و دیگران است.

٣ چرا حضرت یوسف لذت زودگذررا نپذیرفت؟

پاسخ :زیرا به عاقبت رفتار خود توجه داشت و حاضر نبود برای یک لذت کوتاه، آینده و عاقبت خود را به خطر بیندازد.

٤. « پناه بردن به خدا» دررفتارحضرت یوسف چگونه نمود پیدا کرد؟

پاسخ :او در برابر وسوسه به خدا توجه کرد، از او یاری خواست و فرمان الهی را بر خواسته نفسانی ترجیح داد .

ایستگاه تفکر

۷- فاصله بین دو عمل را با توجّه به سخن امام علی علیه‌السلام بنویسید.

امیرمؤمنان علی علیه‌السلام فرمود: «فاصلهٔ زیادی بین این دو عمل وجود دارد. عملی که لذتش می‌رود ولی آثار بدش می‌ماند و عملی که زحمتش می‌گذرد ولی پاداشش می‌ماند.»[۱]

دربارهٔ سخن امیرمؤمنان علی علیه‌السلام با هم‌گروهی‌های خود گفت‌وگو کنید و در جدول زیر نمونه‌هایی را از زندگی روزمره بنویسید.

عملی که لذتش می‌رود اما آثار بدش می‌ماند.	عملی که زحمتش می‌گذرد اما پاداشش می‌ماند.
۱- تقلب برای کسب نمره بهتر	۱- مطالعه و تلاش برای یادگیری
۲- تمسخر دیگران برای خنداندن دوستان.	۲- ..... کنترل خشم

۸- آثار و عواقب هوا و هوس (گناه) در گفتار زلیخا چگونه بیان شده است؟

۹- رفتار زلیخا در موقعیت گناه در مقابل بت ها چگونه بود؟

هوا و هوس چشم مرا کور کرده بود و اجازه نمی‌داد به زشتیِ کارم و به عمق سخن یوسف فکر کنم. در این میان نگاهم به بُتی افتاد که در اتاقم بود. از او خجالت کشیدم. لباسی را برداشتم و روی بت انداختم. یوسف از من پرسید: «این چه کاری بود که کردی؟» گفتم: «من از این بت خجالت می‌کشم. پارچه‌ای روی بت انداختم تا کار زشتم را در برابر چشمانش انجام ندهم.» یوسف گفت: «تو از چیزی خجالت می‌کشی که نه می‌شنود، نه می‌بیند و نه می‌فهمد. چرا من از کسی که انسان را آفریده و به او دانش آموخته خجالت نکشم؟»[۲]

۹ ۱۰

۱۰- حضرت یوسف علیه‌السلام در پاسخ به رفتار خجالت آور زلیخا در برابر بت، چه پاسخ توحیدی داد؟

۱۱- امام کاظم علیه‌السلام در باره شرم از خدا چه فرمودند؟

امام کاظم علیه‌السلام: «در پنهانی‌های خود از خداوند شرم کنید، همان‌گونه که در آشکارتان از مردم حیا می‌کنید.»[۳]

۱۲- منظور از این‌که انسان باید در پنهانی‌های خود از خدا شرم کند چیست؟

یعنی معیار درستکاری انسان نباید فقط نگاه مردم باشد؛ بلکه باید در خلوت نیز به فرمان خدا پایبند باشد.

کانال تلگرام: أَنَا وَ طُلّابي @Hdehghan۱۳

زیرا هوای نفس باعث می‌شود انسان بیشتر به خواسته های فوری خود توجه کند و خیر و صلاح واقعی را نادیده بگیرد. در چنین وضعی ممکن است نصیحت خیرخواهانه را نپذیرد، حقیقت را درست نبیند و تصمیمی بگیرد که به زیان اوست

ایستگاه تفکر

به نظر شما چرا وقتی انسان به دنبال هوا و هوس می‌رود، دیگر نمی تواند آنچه را که به صلاح اوست ببیند، حرف خیرخواهانش را خوب بشنود و تصمیم درست را بگیرد؟

یوسف فرار کرد. او به‌طرف در می‌دوید و من هم پشت‌سرش می‌دویدم. نزدیک در که شد، پیراهنش را از پشت گرفتم و کشیدم. پیراهنش پاره شد، اما یوسف متوقف نشد و به فرار خود ادامه داد. یوسف زودتر از من به در رسید و بازش کرد. همسرم پشت در ایستاده بود. این بدترین

۱۳- چرا حضرت یوسف برای دورشدن ازگناه، از آن موقعیت فرارکرد؟

زیرا می‌خواست خود را از موقعیت گناه دور کند و به جای اعتماد به توانایی خود، از خدا کمک بگیرد.

تلنگر

گرفتار شدن در میان دوراهی ها، قصهٔ تکراری این دنیاست. یک راه مطابق میل و هوای نفس و راه دیگر مطابق با حرف خدا. گاهی خیال می‌کنم به‌تنهایی می‌توانم با هوای نفس مبارزه کنم و راهی را انتخاب کنم که خدا می‌خواهد؛ اما شیطان که بیکار نیست. به قدری وسوسه می‌کند تا از راه خدا منصرف شوم؛ اما وقتی به سوی خدا می‌روم و به او تکیه می‌کنم، ورق برمی‌گردد. خدایی که تواناترین است و وعده داده که به اهل تقوا کمک می‌کند. او دلم را آرام و اراده‌ام را قوی می‌کند. پس همیشه به خدا می‌گویم:
«خدایا! من اول از تو یاری می‌خواهم و سپس تلاش خودم را می‌کنم و از تو می‌خواهم لحظه‌ای مرا به خودم وانگذاری.»

۱۳- در گرفتار شدن میان دو راهی چرا به تنهایی و با اتکا به اراده خود، نمی توان با هوای نفس مبارزه کرد؟

۱۴- در هنگام گرفتار شدن میان خواسته نفس و فرمان خدا، چرا باید به خدا تکیه کرد؟

یوسف حتماً با کمک خدا از دست من نجات پیدا کرد. اگر یوسف با خدا نبود، یقین دارم که می‌توانستم او را به گناه آلوده کنم.[1]

۱۵- توکل به خدا چه تأثیری بر انسان دارد؟

پاسخ :باعث آرامش دل و تقویت اراده می‌شود و انسان را در مقاومت در برابر وسوسه‌ها یاری می‌کند.

۱ـ سورهٔ یوسف، آیهٔ ۲۴.

کانال تلگرام: أَنَا وَ طُلّابي @Hdehghan۱۳

احکام

مجوز روزه نگرفتن

روزی نزدیک افطار، مادرم گفت خرما بخرم. با اینکه توان راه رفتن نداشتم اما دستور مادر بود و باید اطاعت می‌کردم. برای همین هم به‌طرف مغازهٔ آقاحبیب راه افتادم.

پشت در مغازه که رسیدم، دیدم حاج‌حسین‌آقا دارد با کسی بحث می‌کند. حاج‌آقا محمدی هم حضور داشت. با اینکه حاج‌حسین‌آقا عصبانی بود، اما به‌خاطر دیدن آقای محمدی با لبخند وارد مغازه شدم. چیزی نگذشت که از حرف‌هایشان فهمیدم بگومگو بر سر روزه‌خواری است. آقاحبیب یکی از مشتریانش را مشغول روزه‌خواری دیده بوده و به او تذکر داده بود. دعوا بالا گرفته بوده و حاج حسین هم آمده بود به دفاع از آقا حبیب.

حاج‌آقامحمدی گفت: «حاج‌حسین‌آقا، آرام باش! با دعوا که چیزی حل نمی‌شود.» بعد هم رو به مشتری کرد و گفت: «ببخشید می‌توانم اسم شریف شما را بپرسم؟» مشتری صدایش را پایین آورد و گفت: «من امیرعلی هستم.» حاج‌آقا گفت: «تذکر آقاحبیب به شما، سلیقهٔ خودش نبوده، بلکه دستور خدا بوده.» امیرعلی اجازه نداد حاج‌آقا حرفش را ادامه بدهد؛ گفت: «کدام دستور خدا؟ مگر خدا گفته مریض‌ها روزه بگیرند؟» آقاحبیب نگذاشت حاج‌آقا چیزی بگوید؛ گفت: «ببخشید من به ایشان گفتم در فضای عمومی نباید روزه‌خواری کرد.» حاج‌آقا دوباره رو به امیرعلی گفت: «روزه‌گرفتن یا نگرفتن یک حرف است، روزه خوردن در برابر نگاه دیگران یک حرف دیگر. براساس کلام خدا، کسی که به هر دلیلی نمی‌تواند یا نمی‌خواهد روزه بگیرد، اگر در اماکن عمومی روزه‌خواری کند، کار حرامی مرتکب شده است.»

اخم‌های امیرعلی هنوز درهم بود و حوصلهٔ این حرف‌ها را نداشت. حاج‌آقا هم این را فهمید و گفت: «ببخشید که با حرف‌هایم مزاحمتان شدم.» امیرعلی رویش را برگرداند و به‌طرف درِ مغازه رفت، اما برگشت و به حاج‌آقا گفت: «من مریضم و روزه نمی‌گیرم. اشتباه کردم جلوی دیگران روزه‌خواری کردم؛ ببخشید، اما این آقا هم نباید عصبانی شود و با صدای بلند حرف بزند.» حاج‌آقا با لحنی مهربان گفت: «بله، درست است، نباید از همان اول، دیگران را با عصبانیت از یک کار نادرست نهی کنیم.» بعد هم دستش را روی شانهٔ امیرعلی گذاشت و گفت: «دعا می‌کنم که هرچه زودتر بهبود پیدا کنید.» حاج حسین هم شرمنده و خجالت‌زده و سربه‌زیر ایستاده بود. بعد دست به سینه گذاشت و از امیرعلی معذرت خواست و برای سلامتی‌اش دعا کرد. امیرعلی هم اخم‌هایش را باز کرد و از مغازه بیرون رفت.

۱۶- حکم روزه خواری در فضای عمومی چیست؟

حرام است.

۱۷- آیا بهانه ی بیماری مجوز روزه خواری در اماکن عمومی می باشد؟

۱۸- چرا در تذکر دادن درباره روزه‌خواری، روش برخورد نیز مهم است؟

جواب: زیرا نهی از کار نادرست نباید با عصبانیت، تحقیر و رفتار نامناسب همراه شود؛ هدف، اصلاح رفتار است.

خرما را خریدم و موقع خداحافظی دیدم آقا حبیب کاغذی به شیشه زده است. در دلم خواندمش:

يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنوا كُتِبَ عَلَيكُمُ الصِّيامُ كَما كُتِبَ عَلَى الَّذينَ مِن قَبلِكُم لَعَلَّكُم تَتَّقونَ

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما واجب شده است، همان‌گونه که بر پیشینیان شما واجب شده بود. باشد که تقوای الهی پیشه کنید.»[1]

۱۹- با توجّه به آیه شریفه، روزه بر چه کسانی واجب شده است؟ چرا؟

این آیه مرا یاد حرف آقای محمدی انداخت. روزی در مدرسه به ما گفت: «درست است انسانی که روزه می‌گیرد، به سلامت جسمی خودش هم کمک می‌کند، اما فلسفهٔ روزه این است که حواسمان را به حرف‌های خدا بیشتر جمع کنیم تا تقوایمان زیاد شود.» دیشب هم در مسجد گفت: «روزه‌داری باعث می‌شود حواسمان به نعمت‌های خدا بیشتر جمع شود. تشنگی و گرسنگی باعث می‌شود یاد نعمت آب و غذا بیفتیم که چقدر مهم هستند اما هر روز از آنها استفاده می‌کنیم و شکرش را به جا نمی‌آوریم. شکرگزاری یکی از وظایف بندگی است. کسی که شاکر نباشد، نمی‌تواند باتقوا باشد.»

۲۰- فایده جسمی و فلسفه روزه چگونه بیان شده است؟

۲۱- چرا روزه می‌تواند انسان را متوجه نعمت‌های الهی کند؟

۲۲- از نظر تربیتی و دینی، رابطه روزه و تقوا چیست؟

روزه تمرینی برای کنترل خواسته‌های انسان و توجه بیشتر به فرمان خداست و از این راه می‌تواند زمینه تقوا را تقویت کند.

سؤالات مهم احکام

پرسش و پاسخ

سؤال: روزه‌داری برای من سخت است؛ به گونه‌ای که نزدیک افطار، بی‌حال می‌شوم. به این ترتیب، آیا روزه گرفتن بر من واجب است؟

جواب: سخت بودنِ روزه یا بی‌حال شدنِ معمولی روزه‌دار، نمی‌تواند دلیل موجهی برای ترک روزه باشد. مگر اینکه روزه گرفتن برایتان ضرر داشته باشد یا به‌قدری سخت باشد که قابل تحمل نباشد. در این صورت، می‌توانید روزه نگیرید.

سؤال: بیماری در چه صورت، مجوّزی برای روزه نگرفتن خواهد بود؟

جواب: اگر بیماری بر اثر روزه گرفتن، تشدید شود، نباید روزه بگیرید. تشخیص این مسئله هم با پزشک قابل اعتماد است. البته اگر خود فرد هم قدرت تشخیص داشته باشد، می‌تواند به تشخیص خودش عمل کند.

۱ـ سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۸۳.

نشانه اهمیت حرمت و احترام به یک حکم الهی در جامعه و ضرورت رعایت ارزش‌ها و احکام دینی در فضای عمومی است.

همچنین نشان می‌دهد که رعایت احکام فقط یک امر فردی نیست و برخی رفتارها آثار اجتماعی نیز دارند .

ایستگاه تفکر

در درس‌های گذشته آموختیم حرام بودن کارهایی مثل دروغ‌گویی و تحقیر کردن، در دین اسلام نشانهٔ چیست. اکنون شما بگویید حرام بودن روزه‌خواری در فضای عمومی نشانهٔ چیست؟

به خدا پناه برد و یادآوری کرد که خداوند مالک و مدبر اوست و به او جایگاه نیکویی داده است. سپس این رفتار را نوعی **ظلم** دانست و نپذیرفت که برای یک لذت کوتاه‌مدت، آینده و عاقبت خود را نابود کند.

۱ ‖ براساس آیهٔ ۲۳ سورهٔ یوسف «مَعاذَ اللّٰهِ إِنَّهُ رَبّی أَحسَنَ مَثوایَ إِنَّهُ لایُفلِحُ الظّالِمونَ» پاسخ یوسف به پیشنهاد زلیخا چه بود؟

.....

.....

۲ ‖ الف) چرا یوسف ﷺ جایگاه زلیخا را به‌عنوان صاحبش در نظر نگرفت و فقط به فکر خدا بود؟

چون تکیه‌گاه اصلی خود را خدا می‌دانست. و قبول این کار ظلم به خود و ظلم به عزیز مصر که به او اعتماد کرد و ظلم به خدا بود. لذا فقط به خدا پناه برد.

ب) چگونه می‌توانیم از این رفتار در زندگی الگوبرداری کنیم؟ با یک مثال توضیح دهید.

انسان مؤمن در برابر وسوسه، فقط نمی‌گوید «من قوی هستم»؛ بلکه می‌گوید «از خدا کمک می‌خواهم و خودم هم برای انتخاب درست تلاش می‌کنم. »

انسان گاهی میان دو راه قرار می‌گیرد: **راه مطابق میل و هوای نفس** و **راه مطابق فرمان خدا**. وقتی انسان تسلیم هوای نفس می‌شود، تشخیص درست برایش دشوارتر می‌شود. اما با روی آوردن به خدا و تکیه بر او، آرامش و اراده بیشتری پیدا می‌کند .

۳ ‖ ریحانه استعداد زیادی در طراحی و تولید محتوا دارد. یک شرکت تبلیغاتی از او خواسته است برای جذب مشتری، محتوایی بسازد که با ارزش‌های دینی و اخلاقی سازگار نیست. ریحانه با این کار درآمد خوبی کسب می‌کند. اما خواهرش رضوانه او را از این تصمیم بازمی‌دارد. با این حال ریحانه بر تصمیم خود پافشاری می‌کند.

این موقعیت و ماجرای یوسف و زلیخا را براساس پیروی از هوای نفس و سرپیچی از آن، تحلیل کنید.

برخی کارها لذتشان تمام می‌شود، اما آثار بدشان باقی می‌ماند؛ در مقابل، برخی کارها زحمتشان تمام می‌شود، اما پاداششان باقی می‌ماند .

روزه گرفتن یا نگرفتن یک مسئله است؛ روزه‌خواری دربر ابر نگاه دیگران مسئله دیگری است.

کسی که به هر دلیل نمی‌تواند یا نمی‌خواهد روزه بگیرد، اگر در اماکن عمومی روزه‌خواری کند، مرتکب کار حرام شده است .

۴ پارسا با اینکه بیمار است و نمی‌تواند روزه بگیرد، اما سعی می‌کند در مدرسه، مقابل سایر دانش‌آموزان روزه‌خواری نکند. او چه دلیلی برای این کار دارد؟

.....

.....

۵ فلسفهٔ روزه‌داری چیست؟

روزه باعث می‌شود انسان: ۱- بیشتر متوجه فرمان خدا باشد. ۲- به نعمت‌های آب و غذا توجه کند. ۳- شکرگزاری خود را تقویت کند. ٤- در مسیر تقوا حرکت کند .

فعالیت‌های عملکردی

۱ تدبّر (فردی / گروهی)

در سورهٔ علق کدام‌یک از آیات با این بخش از قصهٔ یوسف ﷺ که در این درس خواندید، تناسب بیشتری دارد؟ آن آیه را پیدا کنید و بگویید اگر به مفهوم آن ایمان بیاوریم، چه اتفاقی در روش زندگی‌مان می‌افتد؟

۲ الگو بگیریم (فردی / گروهی)

حضرت یوسف ﷺ بدون در نظر گرفتن مقام و جایگاه زلیخا و احساس دِینی که نسبت به مهربانی‌های او در کودکی‌اش داشت، از خواستهٔ زلیخا سرپیچی کرد و مطیع امر خدا بود. امکان دارد در مسیر زندگی، با کسانی آشنا شویم که از ما درخواستی مخالف حرف خدا داشته باشند. به‌عنوان مثال، همسایه‌ای که ما نسبت به او احساس دِینی داریم، از ما می‌خواهد شهادت دروغ دهیم. حالا نوبت شماست که چند موقعیت مختلف را بنویسید و رفتار شایسته‌ای را برای آن موقعیت‌ها پیشنهاد بدهید. برای این کار می‌توانید از اعضای خانواده که تجربهٔ بیشتری دارند، کمک بگیرید. شاید آنها خاطراتی داشته باشند که در همین راستا باشد.

پیشنهاد ما: آن خاطرات را می‌توانید در قالب نمایش، در کلاس اجرا کنید.

کانال تلگرام: أَنَا وَ طُلّابي　　@Hdehghan۱۳

نکات اصلی و مفاهیم تربیتی

محوراول: پناه بردن به خدا

در شرایط وسوسه و تصمیم دشوار، انسان مؤمن از خدا کمک می‌خواهد و در عین حال خودش نیز تلاش می‌کند .

محوردوم: ایمان درلحظه انتخاب

ایمان فقط سخن گفتن درباره خدا نیست؛ وقتی انسان بین خواسته خود و فرمان خدا قرار می‌گیرد، **انتخاب او ایمانش را نشان می‌دهد**.

محورسوم: هوای نفس

پیروی از هوای نفس می‌تواند قدرت تشخیص انسان را کاهش دهد و مانع شنیدن خیرخواهی دیگران شود .

محورچهارم: لذت زودگذر

ممکن است لذت یک رفتار بسیار کوتاه باشد، ولی آثار آن مدت زیادی باقی بماند.

محورپنجم: مر اقبت درخلوت

انسان مؤمن حتی زمانی که دیگران او را نمی‌بینند، خود را در برابر خدا مسئول می‌داند .

محورششم: فلسفه روزه

روزه زمینه‌ای برای **تقوا**، **توجه به نعمت‌ها و شکرگزاری** است .

محورهفتم: احترام درتذکر

نهی از کار نادرست نباید با عصبانیت، تحقیر و رفتار نامناسب همراه باشد .

خلاصهٔ مفهومی و تحلیلی

۱ .پیامد اعمال انسان

هر عملی فقط به لحظهٔ انجام آن محدود نمی‌شود .برخی رفتارها لذت زودگذر دارند، اما آثار نامطلوبشان مدت‌ها باقی می‌ماند؛ در مقابل، کارهای نیک ممکن است به تلاش و تحمل سختی نیاز داشته باشند، ولی نتایج ارزشمند و پاداش آن‌ها ماندگار است.

۲ .هوا و هوس، مانع شناخت درست

وقتی انسان اسیر خواسته‌های نادرست خود می‌شود، ممکن است حقیقت را نادیده بگیرد و نصیحت خیرخواهانه را نپذیرد . در حکایت، شخصیت مقابل حضرت یوسف)ع (از بُتی که توان دیدن و فهمیدن ندارد، شرم می‌کند، اما در ابتدا از خداوندی که آفرینندهٔ انسان است، آن‌گونه که باید شرم ندارد .این تضاد، توجه انسان را به تناقض میان باور و رفتار خود جلب می‌کند.

۳ .شجاعت در ترک گناه

رفتار حضرت یوسف علیه‌السلام نشان می‌دهد که انسان مؤمن برای دورماندن از گناه باید تصمیم جدی بگیرد و در برابر فشار و وسوسه مقاومت کند .شجاعت فقط در روبه‌روشدن با خطر نیست؛ گاهی شجاعت واقعی، نه‌گفتن به خواسته‌ای است که انسان را از مسیر درست دور می‌کند.

۴ .مبارزه با نفس و توکل به خدا

انتخاب درست همیشه آسان نیست .انسان ممکن است بارها با وسوسه روبه‌رو شود؛ ازاین‌رو، باید هم اراده و تلاش داشته باشد و هم از خداوند کمک بخواهد .توکل، جایگزین تلاش نیست؛ پشتوانه‌ای برای تصمیم درست و پایداری در عمل است.

۵ .نقش خانواده در تربیت اخلاق

پرسش پایانی صفحهٔ ۵۸، مسئولیت والدین را یادآوری می‌کند .شجاعت اخلاق زمانی رشد می‌کند که فرزند بتواند اشتباه خود را بپذیرد، حقیقت را بگوید و برای اصلاح رفتار اقدام کند .ترس از تحقیر و تنبیه نامتناسب ممکن است او را به پنهان‌کاری سوق دهد؛ اما محبت همراه با مسئولیت‌پذیری، زمینهٔ صداقت را فراهم می‌کند.